شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۳شنبه

سال پانزدهم
۱۰ بهمن ۱۴۰۲
۱۸ رجب ۱۴۴۵
شماره ۴۱۴۶

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
● نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
● روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۷۸٪ ↓ -۱° ↑ ۶°

صبح ۲ ظهر ۵

عصر ۴ شب ۳

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۴:۴۴ ● نیمه شب شرعی ۲۳:۰۱:۱۵
غروب آفتاب ۱۶:۵۴:۵۶ ● اذان صبح فردا ۰۵:۰۶:۵۹
اذان مغرب ۱۷:۱۴:۱۸ ● طلوع آفتاب فردا ۰۶:۳۳:۴۸

اول شخص

به راستی «محقق»

درباره دکتر مهدی محقق، اندیشمند برجسته مشهدی که امروز ۹۴ساله می شود

نویسنده: آزاده چشمه‌سنگی

از او پرسیدند: مهدی محقق را با عناوینی چون نویسنده، علامه، فقیه، ادیب، مجتهد، شارح، نسخه پژوه و پژوهشگر تاریخ پزشکی اسلامی می شناسند! اگر از خودتان بپرسند، مهدی محقق را بیشتر با کدام عنوان معرفی می‌کنید؟ گفت: معلم! من یک معلمم! از سال ۱۳۳۰ تا امروز. عالم بی ادعایی که حالا در شمار چهره های ماندگار علم و فلسفه ایران قرار دارد و از خاک نخبه پرور خراسان برخاسته است. در شهر مشهد به دنیا آمده و پدرش شیخ عباسعلی محقق، از واعظان مشهور شهر به حساب می‌آمده است. مهدی محقق و خانواده اش ساکن مشهد بودند، تا زمانی که به دنبال فشارهای حکومتی دوران رضاشاه، پدرش به زندان افتاد و خانواده اش به تهران کوچ کردند. آن زمان ۹ سال بیشتر نداشت. اما کوچ اجباری آن ها تا پایان دوران متوسطه او ادامه پیداکرد و پس از آن، به سبب علاقه و اشتیاق به پدر و پیشه اش، به مشهد برگشت و اتاقی در مجاورت مدرسه علمیه نواب اجاره‌کرد و حجره‌نشین علوم اسلامی شد.

مهدی محقق در همان دوران بود که زبان عربی را نزد ادیب نیشابوری آموخت. سیستانی هم عربی را از او آموخته بود. سپس تحصیلات حوزوی را تا اخذ درجه اجتهاد ادامه داد و حکمش را از دستان آیت ا... محمدحسین کاشف الغطاء و آیت ا... محمدتقی خوانساری دریافت‌کرد. سپس به تهران برگشت و برای تحصیل در مقطع دکتری وارد دانشگاه تهران شد و درکنار افرادی چون شهید دکتر بهشتی، بدیع الزمان فروزانفر و دکتر محمد معین به مرحله تازه‌ای از دنیای علم، وارد شد. سال ۱۳۳۷ دکترای الهیات گرفت و سال ۱۳۳۸ دکترای زبان و ادبیات فارسی. در سال ۱۳۳۹ هم در حالی به عضویت هیئت آموزشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران درآمد که نزد یک به ۱۰ سال در دبیرستان ها تدریس می‌کرد و مدتی نیز مدیریت بخش کتب خطی کتابخانه ملی فرهنگ را بر عهده داشت.

پس از آن نیز از دانشگاه لندن دعوت نامه ای دریافت‌کرد تا برای تدریس به انگلستان سفرکند. به این ترتیب دوسال نیز برای تدریس در دانشکده زبان های شرقی مهمان کشور انگلستان شد و در همان ایام به زبان انگلیسی تسلط یافت.

پس از آن به ایران برگشت و در نیمه های دهه ۴۰، برکرسی تدریس دانشگاه نشست. او شانزده سال در این مقام به دانشجویان خدمت و درگروه های زبان و ادبیات فارسی، عربی، فلسفه و علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تدریس کرد و از همان ایام تا اوایل دهه ۶۰، در دانشگاه مک گیل کانادا، به تدریس فلسفه و کلام و عرفان اسلامی پرداخت و شعبه مؤسسه مطالعات اسلامی آن دانشگاه را در تهران تأسیس کرد. مؤسسه ای که در آن بیش از شصت اثر نفیس در حوزه علوم اسلامی به جامعه علمی تقدیم کرد. مهدی محقق علاوه بر آنکه سالی سه ماه به مدت پنج سال برای تدریس به کانادا می رفت، پنج سال نیز در مؤسسه بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی به عنوان استاد ممتاز مشغول به کار بود و مجموعه ای از متون مرتبط با علوم اسلامی را در قالب دوازده جلد به انتشار رساند.

دکتر محقق پس از انقلاب اسلامی به ریاست دانشکده دماوند منصوب شدو مدتی نیز رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بود. او در سال ۱۳۶۱، سازمان دایره المعارف تشیع را تأسیس و در دوران بازنشستگی خود با دانشگاه های مشهد و اصفهان و کرج در مقاطع ارشد و دکتری همکاری کرد. دکتر مهدی محقق امروز در حالی نودوچهارساله شدکه از او بیش از هشتاد جلد اثر تألیفی و تصحیحی و ترجمه، ۱۳۰ مقاله عربی و فارسی و ۳۵ مقاله به زبان انگلیسی منتشر شده و در مجلات علمی کشورهای انگلیس، آمریکا، ترکیه، مصر، لبنان، سوریه، افغانستان، پاکستان، هندوستان به چاپ رسیده است.

شرح سی قصیده ناصر خسرو قبادیانی

«شرح سی قصیده از حکیم ناصر خسرو قبادیانی» اثری است ارزشمندکه به اهتمام دکتر مهدی محقق صورت‌گرفته است. شعر ناصرخسرو یکی از معتبرترین اسناد زبان دری است‌که از نظر ارائه تعابیر دقیق و عبارات لغوی، در بالاترین جایگاه ممکن قرار دارد. این کتاب، به اهتمام دکتر مهدی محقق، تنظیم و تدوین شده و علاوه بر مطالعه عموم، مناسب برای تدریس در دوره‌کارشناسی زبان و ادبیات فارسی می باشد. کل متن قصاید بدون حذف ابیات، نقل شده است و شرح اشعار به ترتیب ابیات هر شعر آورده شده است. مهدی محقق سی شعر از برترین و زیباترین اشعار ناصرخسرو را برگزیده است.

مداخل و منابع پزشکی در اسلام و ایران

کتاب «مداخل و منابع پزشکی در اسلام و ایران» به همت مهدی محقق، شامل بیش از ۲۰ هزار مدخل گوناگون پزشکی است‌که در دایره واژگان مربوط به تندرستی و بیماری قرار دارد و به لحاظ موضوعی به حوزه های علم طب، ارکان، کالبد، بیماری ها، درمان بیماری ها، داروها، ابزارهای پزشکی و بهداشتی، اشخاص (طبیبان مشهور و مؤلفان و مترجمان کتب و مقالات طبی)، کتاب ها و مقالات، بیمارستان ها و مؤسسات طبی قابل تقسیم است و می تواند برای جست وجوی اصطلاحات مورد استفاده پژوهشگران طب سنتی و تاریخ طب در ایران و اسلام قرارگیرد.

چکامه

همه را کار به کام از دل آسوده خویش.....ما و خون جگر و کوشش بیهوده خویش
همه را از لب شیرین دهنان بهره و ما .....تنگ دل در طلب لذت نابوده خویش
ای که جز دود ز من آتش هجرت نگذاشت .....به خط نامه قلم در مکش از دوده خویش
مگذر سرخوش و شیرینی جان تلخ مکن .....بر من از حسرت لب های می آلوده خویش
واعظ از عیب کسان توبه چه می فرماید؟ .....عیب نبود که کند کار به فرموده خویش
دل «فتاحی» اگر رو کشد از خاک رهش.....به کجا صرف کند، قلب زراندوده خویش؟

فتاحی نیشابوری

همسایه همزبان

زمستان ما بدون برف نبود

روزنامه نگار: سید محمدرضا هاشمی

درزمستان های پربرف دهه ۸۰، باآن روزهای همیشه کوتاه وشب های همیشه بلند. بعد ظهرها که از مدرسه به خانه می آمدم، معمولا بازی های لیگ برتر فوتبال انگلیس پخش می شد و من همیشه به فاصله نزدیک تماشاگران بازمین فوتبال فکر می کردم. به جز انگلیس در هیچ کشوری فاصله تماشاچیان بازمین فوتبال این قدر کم نبود و این همیشه برای من سؤال بود! بعد که فوتبال تمام می شد و کمی خستگی نشستن پشت میز و نیمکت های فلزی از تنم در می رفت، چشم به راه سریال های طنز تلویزیون می نشستم. سریال های با کیفیت وخنده داری که آن سال ها خانواده ها را در شب های بلند زمستان گرد هم جمع می کرد تا آن ها بخندند و شاد باشند. تخمه آفتاب گردان از آن سیاه های کوچک که با نمک خوشمزه شده بود، در شب های زمستان پایه ثابت خانه ما بود. پدر وقتی از سرکار می آمد، یک پلاستیک تخمه می آورد. ماتخمه می شکستیم، سریال می دیدیم، می خندیدیم و شب های بلند زمستان را یکی پس از دیگری به صبح می رساندیم.

در سال های اخیر اما شب های زمستان چند تفاوت مهم با آن روزها دارد، اول اینکه برف و سرمایش دیگر رمقی ندارد. دوم اینکه سریال های تلویزیونی مقبولیت آن سال ها را ندارند و من مجبورم همراه پدر و مادرم سریال هایی را ببینم که در فاصله چند ماه برای چند بار باز پخش می شوند، اما تخمه شکستن همچنان همراه ما مانده با این تفاوت که مأموریت خریدش با من است و نوعش از آفتاب گردان فندقی به کانادایی تغییر کرده است.

زمستان های کودکی من بیشتر در کوچه می گذشت، صبح های برفی گوشم را می چسباندم به بلندگوی رادیو تا ببینم مدرسه تعطیل است یا نه. بعد از شنیدن خبر تعطیلی با خوشحالی به کوچه می رفتم و همراه با بچه های محله با برف هایی که از روی پشت بام خانه ها به وسط کوچه ریخته شده بود، برای خودمان اتاق های برفی کوچک می ساختیم و ادای «نانوک» شخصیت محبوب کارتونی آن روزها را در می آوردیم. تجربه ای که فقط ما بچه های دهه ۶۰ آن را در ذهن و خاطره هایمان داریم. دلم می سوزد برای بچه های امروز که تعطیلی مدرسه شان به خاطر آلودگی هواست و نمی دانم این تعطیلی برایشان خوشحالی به همراه دارد یا ناراحتی؟

عکس روز

ترافیک باران!

بارش باران و برف و در پی آن افزایش تصادفات همواره ترافیک سنگینی را در شهر رقم می زند که ناشی از رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی در شرایط جوی گوناگون است.

عکس: امیرمحمد متین پور/شهرآرا

شوخی بی شوخی

شاید برای شما اتفاق بیفتد!

طنزپرداز: مهدی محمدی

مجلس به مصوبه ای رأی داده است که بر اساس آن اگر به حساب شخصی، مبلغی بیش از مدت مشابه سال قبل آمده باشد مشمول مالیات خواهد شد. فرض می کنیم شما کارگری هستید که در عسلویه کار می کنید به اتفاقی که سال آینده پیش می آید توجه فرمایید. یک روز بودجه جلو شما را می گیرد و می گوید می ترسم دچار کسری بشوم. مدام احساس کمبود می کنم.

شما: سلام بودجه جان! ولی من که به سهم خودم جلو کمبودهای تورو گرفتم.

بودجه می پرسد: دقیقا واسه من چه کار کردی؟

شما: خودت می بینی که هر ماه مقدار زیادی از حقوق من تحت عنوان مالیات برحقوق به شما داده می شه.

بودجه: ولی بازم احساس کمبود دارم. غیر از این دیگه برام چه کار کردی؟

شما: وقتی حقوقمو گرفتم و به حساب همسرم ریختم چون به خاطر تورم مبلغ بیشتری نسبت به پارسال ریختم حساب همسرم هم مشمول مالیات شد.

بودجه: آره. غیر این ها دیگه برام چه کار کردی؟

شما: تازه یک روز پسرم که شهرستان دانشجوست از همسرم خواست برایش پول واریز کند و چون اون هم به خاطر تورم پول بیشتری براش واریز کرد حتی حساب پسرم هم مشمول مالیات شد.

بودجه: بازم احساس کمبود دارم؟ این ها که چیز خاصی نبود!

شما: هر کدام از ماسه نفر اگر جنسی خریدیم یا حتی قبض پرداخت کردیم ۹ درصد هم مالیات بر ارزش افزوده هم کنارش بابت شما دادیم. ولی با این همه مالیات نه تنها در مقابلش خدمات قابل توجهی نگرفتیم که حتی شما بودجه جان می گی که حس کمبود داری.

بعدش هم چیزی نمی گویید و فقط نفس عمیقی می کشید.

بودجه: آفرین. عجب راه حلی.

شما: من که راه حلی ندادم.

بودجه: همین نفس عمیقی که کشیدی یعنی حتی همین نفس کشیدنت هم می تونه مشمول مالیات بشه. اصلا هم میشه مالیات بر ورود اکسیژن از مردم بگیریم هم عوارض بر خروج دی اکسید کربن.

بودجه همان طور که خدا حافظی می کند، می گوید: دوباره به زودی می بینمت! تصمیم می گیرید دیگر نفس نکشید. اتفاقا بعد از چند دقیقه موفق هم می شوید و با خوشحالی به روحتان که دارد به آسمان می رود نگاه می کنید.

کارتون شهر

بی انتهایی یک مهربانی

یادش به خیر یک وقتی در شهر دیوار مهربانی بود. زمستان که می شد دیوار پر می شد از لباس گرم برای بی خانمان ها. آن دیوار شاید دیگر نباشد، اما مهربانی اش هست هنوز. هستند کسانی که با همدلی و توجه، دست های سرد بی خانمان ها را به گرمی می فشارند.
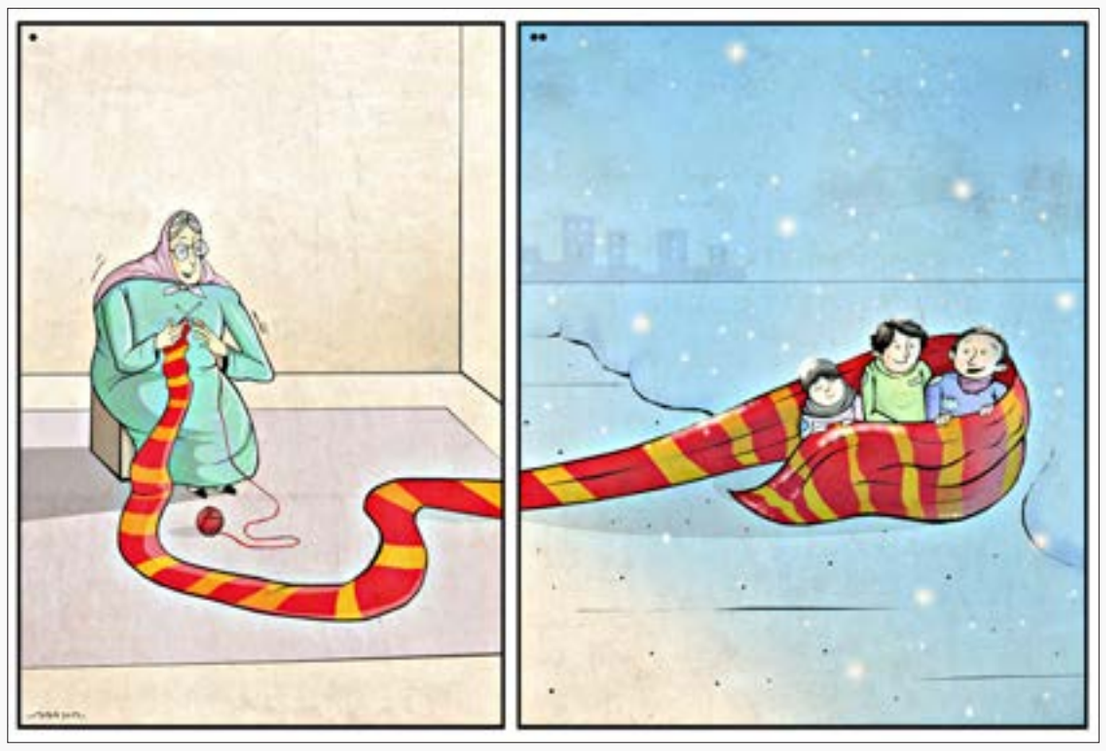
مجید ادیبی